



ایران باستان

شعر این یک دو سه روز - خیام

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۴ مرداد ۱۳۹۲ ۱۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

خیام نیشابوری این یک دو سه روز نوبت عمر گذشت چون آب به جویبار و چون باد به دشت هرگز غم دو روز مرا یاد نگشت
روزی که نیامده‌ست و روزی که گذشت این کهنه رباط را که عالم نام است و آرامگه ابلق صبح و
شام است بزمی‌ست که وامانده صد جمشید است قصریست که تکیه‌گاه صد بهرام است
این بحر وجود آمده بیرون ز نهفت کس نیست که این گوهر تحقیق بسفت هر کس سخنی از سر سودا گفتند زآن روی که
هست کس نمی‌داند گفت



خیام نیشابوری

این یک دو سه روز نوبت عمر گذشت

چون آب به جویبار و چون باد به دشت

هرگز غم دو روز مرا یاد نگشت

روزی که نیامده‌ست و روزی که گذشت

..... این کهنه رباط را که عالم نام است

و آرامگه ابلق صبح و شام است

بزمی‌ست که وامانده صد جمشید است

قصریست که تکیه‌گاه صد بهرام است

.....

این بحر وجود آمده بیرون ز نهفت

کس نیست که این گوهر تحقیق بسفت

هر کس سخنی از سر سودا گفتند

زآن روی که هست کس نمی‌داند گفت

.....

ایدل چو زمانه می‌کند غمناکت

ناگه برود ز تن روان پاکت

بر سبزه نشین و خوش بزی روزی چند

زان پیش که سبزه بردمد از خاکت

از حکیم عمر خیام نیشابوری

خیام نیشابوری

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «شعر این یک دو سه روز - خیام»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1303/pdf/این-یک-دو-سه-روز.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۵ آبان ۱۳۹۹